

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ﴿الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا﴾^١ والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء محمد الذي قال: «لا فضل لعربي على أعجمي إلا بالتقوى»^٢، وعلى وصيه وخليفته أمير المؤمنين علي بن أبي طالب والأحد عشر من أولاده الأئمة المعصومين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

قال الله تعالى: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾^٣.

في صحيحة بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: ... فَالْنَّسَبُ - يَا أَخَا بَنِي عَجَلٍ - مَا كَانَ بِسَبَبِ الرَّجَالِ، وَالصُّهْرُ مَا كَانَ بِسَبَبِ النِّسَاءِ، الحديث^٤.

وفي مرسلة القمي عن الصادق عليه السلام أنه قال: لا يتقدم يوم القيامة أحدٌ إلا بالأعمال، والدليل على ذلك قول رسول الله ﷺ: يا أيها الناس، إن العربية ليست بأب والذ، وإنما هي لسان ناطق، فمن تكلم به فهو عربي، ألا إنكم ولد آدم، وآدم من تراب، والله لعبد حبشي أطاع الله خير من سيد قرشي عاصي لله، وإن أكرمكم عند الله أتقاكم.

والدليل على ذلك قوله ﷺ: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾^٥. وفي حسنة إبراهيم بن محمد الهمداني، قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: «من أحب عاصياً فهو عاصي، ومن أحب مطيعاً فهو مطيع، ومن أعان ظالماً فهو ظالم، ومن خذل عادلاً فهو ظالم؛ إنه ليس بين الله وبين أحد قرابة، ولا ينال أحد ولاية الله إلا بالطاعة، ولقد قال رسول الله ﷺ لبي

١. سورة فرقان، آية ٥٤.

٢. أخرجه أحمد، ح ٢٣٥٣٦ والبيهقي في الشعب، ح ٥١٣٧ وأبونعيم في الحلية، ج ٣، ص ١٠٠ والطبراني في معجمه الكبير، ح ٣٥٤٧ والهيثمي في المجمع، ج ٨، ص ٨٤.

٣. سورة مؤمنون، آية ١٠١.

٤. الكافي، ج ١٠، ص ٨٨٠، ح ٩، چاپ دارالحديث، (ج ٥، ص ٤٤٢، چاپ مرحوم غفاري).

٥. تفسير القمي، ج ٢، ص ٦٩٥، ح ١٠، چاپ مؤسسة الإمام المهدي، ١٤٣٥ق، قم المقدسة.

عبدالمطلب: اثبتوني بأعمالكم لا بأحسابكم وأنسابكم، قال الله تعالى: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ * فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾ ٧.٦.

ولكن ورد في معتبرة سدير عن أبي جعفر عليه السلام أن صفية بنت عبدالمطلب مات ابن لها، فأقبلت، فقال لها عمر: غطي قرطك فإن قرابتك من رسول الله ﷺ لا تنفعك شيئاً!

فقلت له: هل رأيت لي قرطاً يا ابن اللخناء؟!

ثم دخلت على رسول الله ﷺ فأخبرته بذلك وبكت، فخرج رسول الله ﷺ فنادى: الصلاة جامعة، فاجتمع الناس فقال: ما بال أقوام يزعمون أن قرابتي لا تنفع؟! لو قد قمت المقام المحمود لشفعت في أحوجكم، لا يسألني اليوم أحد من أبواه إلا أخبرته. فقام إليه رجل، فقال: من أبي يا رسول الله؟

فقال: أبوك غير الذي تدعى له، أبوك «فلان بن فلان».

فقام آخر، فقال: من أبي يا رسول الله؟

فقال: أبوك الذي تدعى له.

ثم قال رسول الله ﷺ: ما بال الذي يزعم أن قرابتي لا تنفع لا يسألني عن أبيه؟!

فقام إليه عمر، فقال له: أعوذ بالله من غضب الله وغضب رسوله، اعف عني، عفى الله عنك!

فأنزل الله تعالى: ﴿يَتَأْتِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ * قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا

كُفْرِينَ﴾ ١٠.٩.

٦. سورة مؤمنون، آية ١٠٣-١٠١.

٧. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٤٣٨، ح ٧، چاپ مؤسسة آل البيت عليه السلام.

٨. التي لم تختن. (مجمع البحرين، ج ٣، ص ١٦٢٧).

٩. سورة مائدة، آية ١٠٢-١٠١.

١٠. تفسير القمي، ج ١، ص ٢٧٤، ح ١٨.

علامه حاج شیخ محمدباقر الفت (۱۳۸۴-۱۳۰۱ق) فرزند آیه الله العظمی حاج شیخ محمدتقی آفانجفی اصفهانی (۱۳۳۲-۱۲۶۲ق) فرزند آیه الله العظمی حاج شیخ محمدباقر نجفی اصفهانی (۱۳۰۱-۱۲۳۵ق) فرزند آیه الله العظمی حاج شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی (۱۲۴۸-۱۱۸۵ح ق) قدس الله اسرارهم در شب جمعه غره‌ی جمادی الأولى ۱۳۰۱ق از بطن علویه مریم بیگم - دختر آیه الله میرزا محمدهاشم چهارسوقی برادر کهنتر صاحب روضات الجنات که فقیهی نامبردار بود - در شهر اصفهان و خاندان علم، فقاقت و مرجعیت زاده شد.

وی تحصیلات ابتدایی خود را تحت اشراف مادرش که از زنان فاضله به شمار می‌رفت آغاز کرد و در اصفهان تا هجده سالگی به راهنمایی پدرش، دروس مقدمات و سطوح خود را به پایان برد.

از اساتید وی در اصفهان:

۱- سید محمدحسن خوانساری از نوادگان سید محمد مهدی - صاحب رساله ابوبصیر - در گذشته به سال ۱۳۳۶ق در سلطان‌آباد اراک را می‌شناسیم. مرحوم الفت خود گوید: نزد او فرائد الأصول شیخ اعظم انصاری رحمته الله را آموخته است.

۲- ملا محمدتقی مشهور به جناب، از اهالی استرآباد که ریاضیات را از او فرا گرفته است. محمدباقر قبل از رسیدن به سن بیست سالگی، دختر عمویش، صبییه‌ی آیه الله شیخ محمدعلی نجفی اصفهانی معروف به ثقة الإسلام (۱۳۱۸-۱۲۷۱ق) را تزویج کرد. در سال ۱۳۱۹ق به حج بیت الله الحرام مشرف شده و در راه بازگشت از حج رحل اقامت در دانشگاه بزرگ نجف اشرف انداخت و حدود هشت سال از محضر اساتید بزرگ حوزه نجف اشرف بهره علمی فراوان برد.

برخی از اساتید نجف اشرف او عبارتند از آیات عظام:

۳- حاج شیخ فتح الله بن محمدجواد نمازی شیرازی، معروف به شیخ الشریعه‌ی اصفهانی

۴- آخوند شیخ محمدکاظم خراسانی

۵- شیخ محمدباقر اصطهباناتی

۶- شیخ ضیاءالدین عراقی

او در عراق همراه آیتین، شیخ احمد و شیخ محمدحسین، فرزندان شیخ علی کاشف الغطاء، در ماه صفر ۱۳۲۵ ق مفتخر به دریافت اجازه روایی ۱۱ از آیه الله حاج میرزا حسین ابن میرزا خلیل رازی (متوفی ۱۳۲۶ ق) می گردد.

همچنین در روز شنبه ۱۲ ربیع الآخر ۱۳۲۵ ق همراه آیه الله سید صدرالدین بن اسماعیل صدر موفق به دریافت اجازه روایی مفصل از آیه الله سید حسن صدر کاظمی با نام «طبقات الإجازات بالروایات» ۱۲ می شود.

مرحوم الفت در سال ۱۳۲۸ ق به زادگاهش اصفهان بازگشت و در کنار پدرش زیست. مرحوم الفت که از مشروطه خواهان به حساب می آمد قبل از سال ۱۳۳۰ ق، و اشغال ایران توسط قشون روسیه تزاری، از اصفهان به تهران و سپس به قفقاز و سمرقند، و در پایان این سفر چهارده ماهه به مشهد مقدس می رود.

در مشهد با یکی از اصحاب سلوک به نام حاج سید صالح پسر سید اسماعیل تاجر بهبهانی آشنا شد و به دستور او سه ماه رجب و شعبان و رمضان را به عبادت پرداخت و در ماه شوال به اتفاق وی از طریق شهرهای اروپایی روسیه و کشورهای لهستان، اتریش، بلغارستان و رومانی به کشور عثمانی و شهر استانبول وارد شد و از آنجا برای دومین بار به حج بیت الله الحرام مشرف گردید. در محرم ۱۳۳۱ ق از آنجا، و با مشقت فراوان به بمبئی رفت. در آن شهر از سید صالح بهبهانی جدا شد و در راه بازگشت به زیارت مشاهد مشرفه عراق موفق گردید و پس از آن به موطن خود اصفهان بازگشت و به حضور و خدمت پدر نایل گردید. و پدر خود را در ماه شعبان سال ۱۳۳۲ ق از دست داد.

۱۱. متن این اجازه در کتاب «مجمع الإجازات و منبع الإفادات»، ص ۶۲۸-۶۲۶ تألیف مرحوم الفت به چاپ رسیده. همچنین وی سند مجیز را در آخرین سطور کتابش، ص ۶۹۵ یاد کرده است.

۱۲. این اجازه آخرین اجازه ایست که در کتاب «مجمع الإجازات و منبع الإفادات»، ص ۶۹۵-۶۲۹ به چاپ رسیده است.

در اوایل حکومت رضاخانی به سال ۱۳۴۶ق توسط وزیر دادگستری وقت به تهران دعوت شد تا در سمت مستشاری دیوان عالی کشور مشغول به کار گردد. او از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ به عنوان نماینده مجلس شورای ملی از طرف مردم اصفهان انتخاب گردید. از سال ۱۳۵۰ق برابر با ۱۳۱۰ش به اصفهان بازگشت و از تمام مشاغل دولتی و سیاسی به طور کلی کناره‌گیری کرد و تا پایان عمر جز به تألیف و تصنیف و آبادانی و مجالست و مؤانست با دوستانش، به کار دیگری نپرداخت.

در اوایل سال ۱۳۴۱ش برابر با ۱۳۸۱ق در اثر عارضه سکته مغزی نیمی از بدنش بی‌حس شد و سرانجام در ساعت ۸/۵ صبح روز چهارشنبه ۲۶ ربیع الأول ۱۳۸۴ق برابر با ۱۴ مردادماه ۱۳۴۳ش جان به جان‌آفرین تسلیم و پس از تشییع شایسته و مراسم نماز بر وی توسط مرحوم حاج آقا رحیم ارباب‌الله در جوار مزار پدرش در مقبره خانوادگی جنب امامزاده احمد اصفهان مدفون گردید. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

یکی از آثار ابتکاری مرحوم الفت «دفتر نسب‌نامه الفت» است. در ماه رجب المرجب ۱۴۲۲ق توسط نواده‌ی دانشمندش - دیر ارجمند، آقای محمد الفت متوفای شعبان ۱۴۲۴ق - فرزند ادیب دانشمند، آقای بهاء‌الدین الفت (۱۴۰۲-۱۳۲۲ق)، فرزند مؤلف، به دست اینجانب رسید و با اجازه‌ی نواده‌ی مؤلف از روی آن تصویری برای خود برداشتم.

مؤلف محترم، در این دفتر، انساب چهار خاندان بزرگ شیعی (کاشف الغطاء، نجفی اصفهانی، صدر، موسوی خوانساری) را به صورت مشجره با ذکر تاریخ ولادت و وفات، و نام همسران و فرزندان ضبط کرده است. آنچه این مشجره را از کتاب‌های مشابه جدا می‌سازد، یادکرد نام دختران در آن است که در کتاب‌های مشابه دیده نمی‌شود؛ مضافاً به این که کار مشجره پس از وفات مرحوم الفت توسط فرزند ایشان ادیب اریب و شاعر گرانیب آقای بهاء‌الدین الفت، و پس از او نیز توسط نوادگانش تکمیل گردید.

این دفتر ضمیمه‌ای نیز دارد که مؤلف، زندگانی چند تن از معاریف یادشده در آن را که با وی

قرابت نسبی یا سببی داشته‌اند، به‌طور اختصار شرح داده است.

این دفتر و ضمیمه‌اش هر دو بسیار گرانبه‌تر و ارزشمند می‌باشند و مکرراً تصویرهایی از آنها که اینجانب از هر دو در اختیار دارم، توسط دانشمندان و محققان به عاریه و امانت گرفته شده است.

بسیار خوشبختم که این دفتر و ضمیمه، توسط استاد عالیقدر آقای دکتر علی کرباسی زاده رحمته‌الله تحقیق و تصحیح و تکمیل گردید و به شکل کنونی به پیشگاه اهل تحقیق عرضه می‌گردد. در پایان این سطور، عاجزانه از محقق محترم درخواست دارم که با تغییر فونت و اشکال هندسی، کار مؤلف محترم و فرزندانش را از کار خود جدا کند و افزون بر این، اگر جداسازی نسبت به کار مؤلف و فرزند و نوادگانش نیز انجام شود، به مراتب بهتر خواهد بود. این چند سطر به درخواست عموزاده‌ی گرامی، آقای محمود الفت رحمته‌الله که در نشر آثار پدرشان، مرحوم بهاءالدین الفت و جدشان علامه الفت کوشا هستند و این آثار به اهتمامش به زیور طبع آراسته می‌گردد و من نیز به همین دلیل به ایشان ارادت ویژه دارم، قلمی گردید.

۱۵ جمادی الأولى ۱۴۳۸

۲۵ بهمن ۱۳۹۵

اصفهان - هادی نجفی